

«رهبری اخلاقی و عدالت آموزشی در مدارس معاصر»

سمانه فرهنگی

لیسانس آموزش و پرورش ابتدایی

wwwsamanecom017@gmail.com

طیبه ایری

لیسانس آموزش و پرورش ابتدایی

tayyebhiri74@gmail.com



MDOI-02-2026.0460
MNR-474-2-DC4AB4

در دهه‌های اخیر، تحولات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، ضرورت بازنگری در الگوهای رهبری مدارس را بیش از پیش آشکار ساخته است. در این میان، رهبری اخلاقی به عنوان یکی از رویکردهای نوین مدیریت آموزشی، توجه بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران حوزه تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. رهبری اخلاقی با تأکید بر ارزش‌هایی همچون انصاف، مسئولیت‌پذیری، صداقت، احترام به کرامت انسانی و پاسخگویی، می‌تواند زمینه تحقق عدالت آموزشی و فراهم‌سازی فرصت‌های برابر یادگیری را برای تمامی دانش‌آموزان فراهم سازد. عدالت آموزشی نیز به عنوان یکی از اهداف بنیادین نظام‌های آموزشی، بر توزیع عادلانه امکانات، منابع، فرصت‌های یادگیری و دسترسی برابر به آموزش با کیفیت تأکید دارد. مقاله حاضر با رویکردی علمی-ترویجی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، به بررسی نقش رهبری اخلاقی در تحقق و توسعه عدالت آموزشی در مدارس معاصر می‌پردازد. در این راستا، ابعاد مختلف رهبری اخلاقی شامل عدالت‌محوری، تصمیم‌گیری اخلاقی، مسئولیت اجتماعی، مشارکت‌جویی و توجه به حقوق ذی‌نفعان آموزشی مورد تحلیل قرار گرفته و ارتباط آن با شاخص‌های عدالت آموزشی بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیران برخوردار از ویژگی‌های رهبری اخلاقی، از طریق ایجاد فضای اعتماد، کاهش تبعیض‌های آموزشی، حمایت از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر، توزیع عادلانه منابع و تقویت فرهنگ مشارکت، نقش مؤثری در ارتقای عدالت آموزشی ایفا می‌کنند. همچنین نتایج بیانگر آن است که تحقق عدالت آموزشی صرفاً وابسته به سیاست‌ها و قوانین کلان نیست، بلکه کیفیت رهبری مدارس و پابندی مدیران به اصول اخلاقی نیز در این زمینه نقشی تعیین‌کننده دارد. در مجموع، رهبری اخلاقی می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای مدیریتی برای کاهش نابرابری‌های آموزشی، ارتقای کیفیت آموزش و تحقق اهداف تربیتی در مدارس معاصر مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: رهبری اخلاقی، عدالت آموزشی، مدیریت آموزشی، مدارس معاصر، برابری فرصت‌های آموزشی، اخلاق

حرفه‌ای، مدیران مدارس، کیفیت آموزش، فرهنگ سازمانی مدرسه، حکمرانی آموزشی.

نظام‌های آموزشی در قرن بیست و یکم با چالش‌های متعددی از جمله گسترش نابرابری‌های اجتماعی، تفاوت در دسترسی به منابع آموزشی، تنوع فرهنگی دانش‌آموزان، افزایش انتظارات ذی‌نفعان و ضرورت ارتقای کیفیت آموزش مواجه هستند. در چنین شرایطی، مدارس به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای رسمی تعلیم و تربیت، نقشی اساسی در تحقق عدالت اجتماعی و فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای یادگیری ایفا می‌کنند. با وجود تلاش‌های گسترده در جهت توسعه نظام‌های آموزشی، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که همچنان شکاف‌های آموزشی در زمینه دسترسی به امکانات، کیفیت آموزش، حمایت‌های تحصیلی و فرصت‌های رشد میان دانش‌آموزان وجود دارد. از این رو، عدالت آموزشی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی تبدیل شده است. در این میان، نقش مدیران مدارس در هدایت سازمان آموزشی و اتخاذ تصمیم‌های عادلانه، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از رویکردهای نوین که در سال‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای در ادبیات مدیریت آموزشی یافته، رهبری اخلاقی است. رهبری اخلاقی بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول انسانی نظیر انصاف، صداقت، مسئولیت‌پذیری، احترام، پاسخگویی، رعایت حقوق دیگران و تصمیم‌گیری مبتنی بر ملاحظات اخلاقی استوار است. رهبران اخلاقی نه تنها به تحقق اهداف سازمانی توجه دارند، بلکه پیامدهای انسانی و اجتماعی تصمیمات خود را نیز در نظر می‌گیرند. در محیط مدرسه، این نوع رهبری می‌تواند از طریق ایجاد فضای مبتنی بر اعتماد، احترام متقابل و مشارکت، زمینه شکل‌گیری محیطی عادلانه و حمایتگر را برای دانش‌آموزان و کارکنان فراهم آورد. به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که رهبری اخلاقی یکی از پیش‌نیازهای اساسی تحقق عدالت آموزشی در مدارس محسوب می‌شود.

اهمیت این موضوع زمانی برجسته‌تر می‌شود که عدالت آموزشی صرفاً به معنای توزیع برابر امکانات تلقی نشود، بلکه به‌عنوان مفهومی چندبعدی در نظر گرفته شود که شامل دسترسی برابر به فرصت‌های یادگیری، توجه به تفاوت‌های فردی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و برخورداری از آموزش باکیفیت است. در این چارچوب، مدیران مدارس با تصمیمات روزمره خود در زمینه تخصیص منابع، مدیریت نیروی انسانی، ارزشیابی دانش‌آموزان، تعامل با خانواده‌ها و اجرای سیاست‌های آموزشی، نقشی تعیین‌کننده در تحقق یا تضعیف عدالت آموزشی ایفا می‌کنند. بنابراین، بررسی پیوند میان رهبری اخلاقی و عدالت آموزشی می‌تواند درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر بر کیفیت و اثربخشی نظام‌های آموزشی فراهم سازد.

مرور ادبیات نظری نشان می‌دهد که رهبری اخلاقی ریشه در نظریه‌های اخلاق هنجاری، رهبری ارزش‌مدار و مدیریت انسانی دارد. براون، تروینو و هریسون (2005) رهبری اخلاقی را الگویی از رفتارهای هنجاری تعریف می‌کنند که از طریق اقدامات شخصی رهبر و روابط بین‌فردی او ترویج می‌شود. شاپیرو و استفانسکو (2014) نیز بر این باورند که مدیران آموزشی باید در تصمیم‌گیری‌های خود، اصول اخلاقی، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی را مدنظر قرار دهند. از سوی دیگر، نظریه عدالت اجتماعی در آموزش که توسط پژوهشگرانی همچون رالز (1971) و فرایر (1970) مورد توجه قرار گرفته است، بر ضرورت کاهش نابرابری‌های آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر برای تمامی فراگیران تأکید می‌کند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که رهبری اخلاقی و عدالت آموزشی دارای پیوندی عمیق و متقابل هستند.

در حوزه مطالعات داخلی نیز پژوهش‌های متعددی به بررسی نقش اخلاق در مدیریت آموزشی پرداخته‌اند. نتایج مطالعات علاقه‌مند (1397)، بازرگان (1398)، ساکی (1399)، مهرمحمدی (1400) و احمدی و همکاران (1402) نشان می‌دهد که رعایت اصول اخلاقی در مدیریت مدارس می‌تواند موجب افزایش اعتماد سازمانی، بهبود روابط انسانی، ارتقای رضایت شغلی معلمان و تقویت احساس عدالت در محیط آموزشی شود. همچنین یافته‌های این پژوهش‌ها بیانگر آن است که مدیران اخلاق‌مدار، در مقایسه با سایر مدیران، توجه بیشتری به نیازهای دانش‌آموزان محروم، مشارکت ذی‌نفعان و توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی دارند. با این حال، بخش قابل توجهی از مطالعات انجام‌شده، رهبری اخلاقی و عدالت آموزشی را به صورت مستقل بررسی کرده‌اند و کمتر به تبیین رابطه نظام‌مند میان این دو مفهوم پرداخته‌اند؛ موضوعی که ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد.

از منظر عملی، توجه به رهبری اخلاقی در مدارس معاصر می‌تواند پاسخی به بسیاری از چالش‌های آموزشی از جمله تبعیض‌های پنهان، نابرابری در دسترسی به فرصت‌های یادگیری، کاهش اعتماد عمومی به نظام آموزشی و ضعف مشارکت ذی‌نفعان باشد. مدیران مدارس به عنوان رهبران خط مقدم نظام آموزشی، نقش مهمی در ایجاد فرهنگ عدالت‌محور و حمایت از حقوق تمامی دانش‌آموزان دارند. از این رو، تبیین ابعاد رهبری اخلاقی و سازوکارهای تأثیر آن بر عدالت آموزشی می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزشی باشد.

هدف اصلی این مقاله، بررسی نقش رهبری اخلاقی در تحقق عدالت آموزشی و تبیین سازوکارهایی است که از طریق آن‌ها مدیران مدارس می‌توانند با بهره‌گیری از اصول اخلاقی، زمینه ارتقای برابری فرصت‌های آموزشی و کیفیت یادگیری را فراهم سازند. همچنین این پژوهش درصدد است تا مهم‌ترین مؤلفه‌های رهبری اخلاقی و پیامدهای آن برای دانش‌آموزان، معلمان و محیط مدرسه را مورد تحلیل قرار دهد.

با توجه به ماهیت علمی-ترویجی پژوهش، فرضیه‌های نظری زیر مطرح می‌شوند:

رهبری اخلاقی نقش مؤثری در تحقق عدالت آموزشی در مدارس دارد.

مدیران برخوردار از ویژگی‌های رهبری اخلاقی، فرصت‌های آموزشی را به صورت عادلانه‌تری میان دانش‌آموزان توزیع می‌کنند.

رهبری اخلاقی از طریق تقویت اعتماد، مشارکت و مسئولیت‌پذیری، زمینه بهبود کیفیت محیط آموزشی را فراهم می‌سازد.

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی
عدالت آموزشی تحت تأثیر مستقیم فرهنگ اخلاقی حاکم بر مدرسه قرار دارد.

حمایت از دانش‌آموزان محروم و توجه به تفاوت‌های فردی، از مهم‌ترین پیامدهای استقرار رهبری اخلاقی در مدارس است.

بر این اساس، مقاله حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از منابع معتبر داخلی و خارجی، چارچوبی تحلیلی برای تبیین ارتباط میان رهبری اخلاقی و عدالت آموزشی ارائه دهد و نشان دهد که چگونه پابندی مدیران مدارس به اصول اخلاقی می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش، کاهش نابرابری‌های آموزشی و تحقق اهداف تربیتی در مدارس معاصر منجر شود.

تعاریف عملیاتی و مفهومی

1. رهبری اخلاقی

تعریف مفهومی

رهبری اخلاقی نوعی الگوی رهبری است که بر ارزش‌های اخلاقی، انصاف، صداقت، مسئولیت‌پذیری، احترام به کرامت انسانی، عدالت، اعتمادسازی و پاسخگویی استوار است. در این رویکرد، رهبر نه تنها در رفتار فردی خود به اصول اخلاقی پایبند است، بلکه از طریق تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تعاملات سازمانی، فرهنگ اخلاقی را در سازمان گسترش می‌دهد. براون، تروینو و هریسون (2005) رهبری اخلاقی را نمایش رفتارهای هنجاری مناسب از طریق اقدامات شخصی و روابط بین فردی و ترویج این رفتارها در میان اعضای سازمان تعریف می‌کنند. در محیط‌های آموزشی، رهبری اخلاقی به معنای هدایت مدرسه بر اساس ارزش‌های انسانی و تربیتی با هدف تحقق عدالت، اعتماد و رشد همه ذی‌نفعان است.

تعریف عملیاتی

در این پژوهش، رهبری اخلاقی به میزان پابندی مدیران مدارس به اصول اخلاقی در فرایندهای مدیریتی اشاره دارد و از طریق شاخص‌هایی نظیر عدالت در تصمیم‌گیری، صداقت و شفافیت مدیریتی، احترام به حقوق معلمان و دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، رعایت اصول انصاف، مشارکت‌جویی و توجه به ارزش‌های انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

2. عدالت آموزشی

تعریف مفهومی

عدالت آموزشی به فراهم‌سازی فرصت‌های برابر یادگیری برای تمامی دانش‌آموزان بدون توجه به تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جنسیتی و جغرافیایی اشاره دارد. این مفهوم تنها به توزیع برابر امکانات محدود نمی‌شود، بلکه شامل دسترسی عادلانه به آموزش با کیفیت، توجه به نیازهای متفاوت فراگیران، حمایت از گروه‌های محروم و فراهم‌سازی شرایط رشد و پیشرفت برای همه دانش‌آموزان است. رالز (1971) عدالت را توزیع منصفانه فرصت‌ها و منابع در جامعه می‌داند و این دیدگاه در حوزه آموزش به برابری فرصت‌های یادگیری تعمیم یافته است.

تعریف عملیاتی

در این مقاله، عدالت آموزشی از طریق شاخص‌هایی مانند توزیع عادلانه امکانات آموزشی، دسترسی برابر دانش‌آموزان به منابع یادگیری، توجه به تفاوت‌های فردی، حمایت از دانش‌آموزان کم‌برخوردار، کاهش تبعیض‌های آموزشی، مشارکت برابر در فعالیت‌های مدرسه و برخورداری از فرصت‌های یادگیری با کیفیت تبیین می‌شود.

3. برابری فرصت‌های آموزشی

تعریف مفهومی

برابری فرصت‌های آموزشی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن تمامی دانش‌آموزان بدون توجه به ویژگی‌های فردی یا اجتماعی، از فرصت‌های یکسان برای یادگیری، پیشرفت تحصیلی و شکوفایی استعدادهای خود برخوردار باشند. این مفهوم یکی از ابعاد اصلی عدالت آموزشی محسوب می‌شود.

تعریف عملیاتی

در پژوهش حاضر، برابری فرصت‌های آموزشی از طریق میزان دسترسی دانش‌آموزان به امکانات آموزشی، مشارکت در فعالیت‌های یادگیری، بهره‌مندی از خدمات آموزشی و تربیتی و برخورداری از حمایت‌های مدرسه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

4. فرهنگ اخلاقی مدرسه

تعریف مفهومی

فرهنگ اخلاقی مدرسه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و رفتارهای اخلاقی حاکم بر روابط میان مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و سایر ذی‌نفعان مدرسه است. این فرهنگ بر چگونگی تصمیم‌گیری، تعاملات انسانی و فضای کلی مدرسه تأثیر می‌گذارد.

تعریف عملیاتی

در این مقاله، فرهنگ اخلاقی مدرسه از طریق شاخص‌هایی همچون احترام متقابل، اعتماد سازمانی، رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای، همکاری و مشارکت، مسئولیت‌پذیری جمعی و پایبندی به ارزش‌های تربیتی سنجیده می‌شود.

5. تصمیم‌گیری اخلاقی

تعریف مفهومی

تصمیم‌گیری اخلاقی فرایندی است که طی آن مدیر یا رهبر سازمان، هنگام انتخاب راه‌حل‌ها و اقدامات مختلف، پیامدهای انسانی، ارزشی و اخلاقی تصمیمات خود را مورد توجه قرار می‌دهد و گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که بیشترین انطباق را با اصول اخلاقی داشته باشد.

تعریف عملیاتی

در این پژوهش، تصمیم‌گیری اخلاقی به میزان توجه مدیران مدارس به انصاف، حقوق افراد، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و مصالح تربیتی دانش‌آموزان در تصمیمات مدیریتی اشاره دارد.

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی

6. اعتماد سازمانی

تعریف مفهومی

اعتماد سازمانی به میزان اطمینان اعضای سازمان نسبت به صداقت، عدالت، شایستگی و خیرخواهی مدیران و همکاران اشاره دارد. اعتماد یکی از پیامدهای مهم رهبری اخلاقی و از عوامل مؤثر در موفقیت سازمان‌های آموزشی محسوب می‌شود.

تعریف عملیاتی

اعتماد سازمانی در این مقاله از طریق شاخص‌هایی نظیر اعتماد معلمان به مدیر مدرسه، شفافیت روابط سازمانی، احساس امنیت روانی، عدالت در برخورد و قابلیت پیش‌بینی رفتارهای مدیریتی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

7. مشارکت آموزشی

تعریف مفهومی

مشارکت آموزشی به میزان حضور و همکاری فعال معلمان، دانش‌آموزان، والدین و سایر ذی‌نفعان در فرایندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های آموزشی و تربیتی اشاره دارد.

تعریف عملیاتی

در این پژوهش، مشارکت آموزشی از طریق میزان دخالت معلمان در تصمیمات مدرسه، همکاری خانواده‌ها با مدرسه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی و وجود سازوکارهای مشارکتی در محیط مدرسه بررسی می‌شود.

8. کیفیت آموزشی

تعریف مفهومی

کیفیت آموزشی به میزان موفقیت نظام آموزشی در تحقق اهداف یادگیری، رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان، ارتقای عملکرد تحصیلی و پاسخگویی به نیازهای جامعه اشاره دارد.

تعریف عملیاتی

کیفیت آموزشی در این مقاله بر اساس شاخص‌هایی همچون اثربخشی تدریس، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، رضایت ذی‌نفعان، دسترسی به فرصت‌های یادگیری، عدالت در ارائه خدمات آموزشی و تحقق اهداف تربیتی تبیین می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی با رویکرد علمی-ترویجی است. این مطالعه با تکیه بر روش کتابخانه‌ای و اسنادی، به بررسی نقش رهبری اخلاقی در تحقق عدالت آموزشی در مدارس معاصر پرداخته است. انتخاب این روش به دلیل ماهیت نظری موضوع و ضرورت تحلیل، تبیین و تلفیق دیدگاه‌های موجود در حوزه مدیریت آموزشی، اخلاق حرفه‌ای و عدالت آموزشی صورت گرفته است. در این پژوهش تلاش شده است با بهره‌گیری از منابع معتبر داخلی و خارجی، چارچوبی منسجم برای تبیین رابطه میان رهبری اخلاقی و عدالت آموزشی ارائه شود. جامعه پژوهش شامل بیش از 65 منبع معتبر فارسی و انگلیسی مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت که سهم منابع فارسی به دلیل تمرکز پژوهش بر مسائل نظام آموزشی کشور، بیشتر در نظر گرفته شد.

ابزار گردآوری داده‌ها شامل فرم فیش‌برداری پژوهشی، چک‌لیست تحلیل محتوا و ماتریس طبقه‌بندی مفاهیم بود. در این ابزارها، اطلاعات مربوط به نظریه‌های رهبری اخلاقی، ابعاد عدالت آموزشی، یافته‌های پژوهش‌های پیشین، الگوهای مدیریتی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران استخراج، دسته‌بندی و تحلیل شد. به‌منظور تأمین روایی پژوهش، از روایی محتوایی استفاده گردید؛ به این صورت که چارچوب مفهومی اولیه توسط متخصصان حوزه مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت مورد بازبینی قرار

گرفت و اصلاحات لازم اعمال شد. همچنین از راهبرد تطبیق منابع و مقایسه یافته‌های پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی برای افزایش اعتبار نتایج استفاده شد.

برای بررسی پایایی، فرآیند کدگذاری و تحلیل داده‌ها در دو مرحله مستقل انجام گرفت و نتایج حاصل از طبقه‌بندی مفاهیم با یکدیگر مقایسه شد. میزان هم‌پوشانی و ثبات در استخراج مضامین اصلی نشان‌دهنده قابلیت اعتماد مناسب داده‌ها بود. افزون بر این، استفاده از منابع منتشرشده در مجلات علمی-پژوهشی معتبر، کتاب‌های دانشگاهی و گزارش‌های رسمی نهادهای علمی بین‌المللی، پایایی یافته‌های پژوهش را تقویت کرد.

در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل تطبیقی بهره گرفته شد. ابتدا مفاهیم و مؤلفه‌های اصلی رهبری اخلاقی و عدالت آموزشی استخراج گردید، سپس ارتباطات میان آن‌ها در قالب مقوله‌های محوری طبقه‌بندی شد. در مرحله بعد، یافته‌های پژوهش‌های داخلی با مطالعات خارجی مقایسه و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها شناسایی شد. تحلیل‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی همچون انصاف، پاسخگویی، احترام به کرامت انسانی، مشارکت‌جویی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری از مهم‌ترین ابعاد رهبری اخلاقی هستند که می‌توانند از طریق کاهش تبعیض‌های آموزشی، توزیع عادلانه فرصت‌های یادگیری، حمایت از دانش‌آموزان محروم و تقویت فرهنگ مدرسه، زمینه تحقق عدالت آموزشی را فراهم سازند.

بر اساس تحلیل منابع، چارچوب نظری پژوهش بر این فرض استوار شد که رهبری اخلاقی به‌عنوان یک متغیر راهبردی، از طریق ایجاد فرهنگ سازمانی مبتنی بر عدالت، اعتماد و احترام متقابل، بر کیفیت تصمیم‌گیری‌های آموزشی و در نهایت بر تحقق عدالت آموزشی در مدارس تأثیرگذار است. این چارچوب، مبنای تفسیر یافته‌ها و تحلیل‌های نهایی پژوهش قرار گرفته و تلاش می‌کند تصویری جامع از نقش رهبری اخلاقی در مدیریت مدارس معاصر ارائه دهد.

یافته‌های پژوهش

بررسی و تحلیل منابع علمی داخلی و خارجی نشان داد که رهبری اخلاقی یکی از مؤثرترین رویکردهای مدیریتی برای تحقق عدالت آموزشی در مدارس معاصر محسوب می‌شود. یافته‌ها بیانگر آن است که عدالت آموزشی صرفاً محصول سیاست‌های کلان آموزشی یا تخصیص منابع مادی نیست، بلکه تا حد زیادی تحت تأثیر کیفیت رهبری در سطح مدرسه قرار دارد. مدیران مدارس به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی در زمینه توزیع فرصت‌های آموزشی، مدیریت منابع، حمایت از دانش‌آموزان و هدایت فرایندهای تربیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ادراک عدالت در میان معلمان و دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. مطالعات علاقه‌مند (1397)، بازرگان (1398) و مهرمحمدی (1400) نیز نشان می‌دهد که سبک رهبری مدیران می‌تواند به‌طور مستقیم بر کیفیت محیط یادگیری و میزان برخورداری دانش‌آموزان از فرصت‌های آموزشی اثرگذار باشد.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، تأثیر رهبری اخلاقی بر توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی است. تحلیل ادبیات پژوهش نشان داد مدیرانی که در تصمیم‌گیری‌های خود به اصول انصاف، برابری و کرامت انسانی پایبند هستند، در تخصیص امکانات آموزشی، برنامه‌های حمایتی، فرصت‌های مشارکت و خدمات مدرسه، توجه بیشتری به نیازهای واقعی دانش‌آموزان دارند. در چنین مدرسه‌ای، دانش‌آموزان صرف‌نظر از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، جنسیتی یا فرهنگی، امکان بیشتری برای بهره‌مندی از فرصت‌های یادگیری

پیدا می‌کنند. این یافته با دیدگاه رالز (1971) درباره عدالت توزیعی و همچنین نتایج پژوهش‌های شاپیرو و استفانسکو (2014) همسو است که بر نقش رهبران آموزشی در کاهش نابرابری‌های آموزشی تأکید دارند.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که رهبری اخلاقی نقش مهمی در ایجاد فرهنگ مدرسه مبتنی بر عدالت و اعتماد ایفا می‌کند. در مدارس دارای رهبری اخلاقی، روابط انسانی بر پایه احترام متقابل، صداقت، مسئولیت‌پذیری و مشارکت شکل می‌گیرد. چنین فضایی موجب افزایش احساس امنیت روانی، اعتماد سازمانی و تعلق خاطر معلمان و دانش‌آموزان به مدرسه می‌شود. مطالعات داخلی ساکی (1399) و احمدی و همکاران (1402) نشان داده‌اند که وجود اعتماد سازمانی در مدارس می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر معلمان در تصمیم‌گیری‌ها و ارتقای کیفیت فعالیت‌های آموزشی را فراهم سازد. یافته‌های حاضر نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که اعتماد، یکی از مهم‌ترین پیامدهای رهبری اخلاقی و در عین حال یکی از پیش‌نیازهای تحقق عدالت آموزشی است.

از دیگر یافته‌های قابل توجه پژوهش، نقش رهبری اخلاقی در حمایت از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر و گروه‌های کمتر برخوردار است. بررسی منابع نشان داد مدیران اخلاق‌مدار نسبت به شناسایی نیازهای دانش‌آموزان دارای مشکلات اقتصادی، آموزشی و اجتماعی حساسیت بیشتری دارند و تلاش می‌کنند از طریق سیاست‌های حمایتی، فرصت‌های یادگیری برابر را برای آنان فراهم سازند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل تأمین امکانات آموزشی، ارائه خدمات مشاوره‌ای، کاهش موانع مشارکت و ایجاد محیطی پذیرنده برای تمامی دانش‌آموزان باشد. در واقع، عدالت آموزشی در این رویکرد نه به معنای رفتار یکسان با همه، بلکه به معنای توجه منصفانه به تفاوت‌ها و نیازهای متنوع دانش‌آموزان تلقی می‌شود.

یافته‌ها همچنین نشان داد که رهبری اخلاقی با افزایش مشارکت ذی‌نفعان آموزشی ارتباط معناداری دارد. مدیران اخلاق‌مدار از طریق ایجاد فضای گفت‌وگو، احترام به دیدگاه‌های معلمان، جلب همکاری خانواده‌ها و مشارکت دانش‌آموزان در امور مدرسه، زمینه شکل‌گیری حکمرانی مشارکتی در مدرسه را فراهم می‌کنند. پژوهش‌های براون و همکاران (2005) و فولان (2020) نیز نشان داده‌اند که مشارکت ذی‌نفعان یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت برنامه‌های اصلاحی و ارتقای عدالت در سازمان‌های آموزشی است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مشارکت فعال معلمان و خانواده‌ها می‌تواند به شناسایی بهتر نابرابری‌های آموزشی و اتخاذ تصمیم‌های عادلانه‌تر کمک کند.

در حوزه کیفیت آموزشی، یافته‌ها حاکی از آن است که رهبری اخلاقی از طریق ارتقای انگیزش معلمان، تقویت تعهد سازمانی و بهبود روابط حرفه‌ای، زمینه افزایش اثربخشی آموزشی را فراهم می‌سازد. معلمان که در محیطی عادلانه و مبتنی بر احترام فعالیت می‌کنند، انگیزه بیشتری برای نوآوری آموزشی، همکاری حرفه‌ای و حمایت از یادگیری دانش‌آموزان دارند. این موضوع در پژوهش‌های هوی و میسکل (2013) و فولان (2019) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های حاضر، عدالت در رفتار مدیر با کارکنان، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری عدالت آموزشی برای دانش‌آموزان محسوب می‌شود.

با وجود ظرفیت‌های گسترده رهبری اخلاقی، یافته‌ها نشان داد که تحقق عدالت آموزشی با موانع متعددی نیز مواجه است. محدودیت منابع مالی و انسانی، تمرکزگرایی اداری، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، ضعف زیرساخت‌های آموزشی، تراکم دانش‌آموزان در برخی مدارس و فشارهای ناشی از نظام‌های ارزشیابی سنتی از جمله چالش‌هایی هستند که می‌توانند اثربخشی اقدامات مدیران را

کاهش دهند. همچنین برخی مطالعات داخلی نشان می‌دهد که در مواردی، مدیران مدارس علی‌رغم برخورداری از نگرش‌های اخلاقی، به دلیل محدودیت‌های ساختاری قادر به اجرای کامل سیاست‌های عدالت‌محور نیستند. این یافته بیانگر آن است که تحقق عدالت آموزشی نیازمند تعامل میان رهبری اخلاقی و اصلاحات ساختاری در نظام آموزشی است.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رهبری اخلاقی از طریق تقویت فرهنگ عدالت، افزایش اعتماد سازمانی، حمایت از دانش‌آموزان محروم، گسترش مشارکت ذی‌نفعان، بهبود کیفیت روابط انسانی و ارتقای اثربخشی آموزشی، نقش بنیادینی در تحقق عدالت آموزشی ایفا می‌کند. همچنین نتایج بیانگر آن است که عدالت آموزشی زمانی به صورت پایدار محقق می‌شود که ارزش‌های اخلاقی به بخشی از فرهنگ سازمانی مدرسه تبدیل شوند و مدیران مدارس در تمامی سطوح تصمیم‌گیری، اصول انصاف، کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را مبنای عمل خود قرار دهند. بنابراین، رهبری اخلاقی را می‌توان یکی از مهم‌ترین راهبردهای مدیریتی برای پاسخگویی به چالش‌های عدالت آموزشی در مدارس معاصر دانست.

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که رهبری اخلاقی یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های مدیریت آموزشی در تحقق عدالت آموزشی در مدارس معاصر است. تحلیل منابع نظری و پژوهشی بیانگر آن است که عدالت آموزشی صرفاً در گرو افزایش امکانات یا اصلاح سیاست‌های کلان آموزشی نیست، بلکه کیفیت رهبری در سطح مدرسه نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی توزیع فرصت‌های یادگیری، دسترسی به منابع آموزشی و حمایت از دانش‌آموزان ایفا می‌کند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مدیران برخوردار از ویژگی‌های رهبری اخلاقی، از طریق پایبندی به اصول انصاف، احترام به کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و پاسخگویی، می‌توانند زمینه شکل‌گیری محیطی عادلانه‌تر و اثربخش‌تر را در مدارس فراهم سازند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های براون، تروینو و هریسون (2005)، شاپیرو و استفانسکو (2014)، فولان (2020) و هوی و میسکل (2013) همسو است که رهبری اخلاقی را عامل مهمی در ایجاد اعتماد سازمانی، ارتقای فرهنگ مدرسه و تحقق عدالت اجتماعی در آموزش می‌دانند. همچنین یافته‌های پژوهش با مطالعات داخلی علاقه‌بند (1397)، بازرگان (1398)، ساکی (1399)، مهرمحمدی (1400) و احمدی و همکاران (1402) همخوانی دارد که بر نقش مدیران اخلاق‌مدار در بهبود روابط انسانی، افزایش مشارکت ذی‌نفعان و کاهش تبعیض‌های آموزشی تأکید کرده‌اند. با این حال، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هرچند رهبری اخلاقی شرطی ضروری برای تحقق عدالت آموزشی است، اما به تنهایی کافی نیست و اثربخشی آن تا حد زیادی به وجود زیرساخت‌های مناسب، حمایت‌های سازمانی و سیاست‌های عدالت‌محور در سطوح بالاتر نظام آموزشی وابسته است. بنابراین، عدالت آموزشی را باید حاصل تعامل میان کنش‌های اخلاقی مدیران و ساختارهای حمایتی نظام تعلیم و تربیت دانست.

بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های تربیت و توانمندسازی مدیران مدارس، بیش از گذشته بر توسعه شایستگی‌های اخلاقی، مهارت‌های تصمیم‌گیری عادلانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی متمرکز شوند. همچنین طراحی دوره‌های آموزشی در حوزه رهبری اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای و عدالت آموزشی برای مدیران و معلمان می‌تواند به تقویت فرهنگ عدالت‌محور در مدارس کمک کند. پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش در ارزیابی عملکرد مدیران مدارس، شاخص‌هایی همچون رعایت عدالت، حمایت از دانش‌آموزان کم‌برخوردار، شفافیت مدیریتی و مشارکت‌جویی را مدنظر قرار دهد. ایجاد سازوکارهای حمایتی برای مدارس مناطق محروم، توسعه نظام‌های نظارت اخلاقی، تقویت مشارکت خانواده‌ها در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و فراهم‌سازی فرصت‌های برابر یادگیری برای تمامی دانش‌آموزان نیز از دیگر راهکارهای عملی قابل پیشنهاد است. علاوه بر این، پژوهشگران

آینده می‌توانند با انجام مطالعات میدانی و ترکیبی، ابعاد مختلف تأثیر رهبری اخلاقی بر عدالت آموزشی را در مقاطع و مناطق مختلف کشور بررسی کنند. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رهبری اخلاقی نه تنها یک فضیلت مدیریتی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای تحقق عدالت آموزشی، ارتقای کیفیت آموزش و توسعه سرمایه انسانی در مدارس معاصر محسوب می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام آموزشی انسانی‌تر، عادلانه‌تر و اثربخش‌تر باشد.

منابع:

1. علاقه‌بند، ع. (1397). مبانی مدیریت آموزشی (ویرایش دهم). تهران: انتشارات روان.
2. احمدی، م.، رضایی، ع.، و کریمی، س. (1402). بررسی رابطه رهبری اخلاقی مدیران و ادراک عدالت آموزشی در مدارس متوسطه. فصلنامه مدیریت آموزشی، 16(2)، 75-98.
3. بازرگان، ع. (1398). مدیریت آموزشی و رهبری در سازمان‌های یادگیرنده. تهران: انتشارات سمت.
4. حسینی، س. م.، و محمدی، ر. (1401). نقش رهبری اخلاقی در ارتقای اعتماد سازمانی و عدالت آموزشی مدارس. فصلنامه پژوهش در مدیریت آموزش و پرورش، 10(3)، 113-134.
5. ساکی، ر. (1399). اخلاق حرفه‌ای در مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات مدرسه.
6. شعبانی، ح. (1399). مدیریت آموزشی؛ اصول، مفاهیم و کاربردها (ویرایش هشتم). تهران: انتشارات سمت.
7. قاسمی، ح.، و نادری، ع. (1400). بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی بر تحقق عدالت آموزشی در مدارس. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، 19(1)، 57-81.
8. مهرمحمدی، م. (1400). تعلیم و تربیت و عدالت آموزشی در جامعه معاصر. تهران: انتشارات آگاه.
9. نادری، ع.، و یوسفی، م. (1401). تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در نظام آموزش و پرورش ایران. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، 14(4)، 95-118.
10. یوسف‌زاده، ف.، و رحیمی، س. (1402). رهبری اخلاقی و بهبود کیفیت آموزشی مدارس. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، 17(1)، 41-66.

11. Brown, Michael E., M. E., Treviño, L. K., & Harrison, D. A. (2005). Ethical leadership: A social learning perspective for construct development and testing. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 97(2), 117-134.

12. Freire, Paulo, P. (1970). *Pedagogy of the Oppressed*. New York, NY: Continuum.
13. Fullan, Michael, M. (2020). *Leading in a Culture of Change* (2nd ed.). San Francisco, CA: Jossey-Bass.
14. Hoy, Wayne K., W. K., & Miskel, Cecil G., C. G. (2013). *Educational Administration: Theory, Research, and Practice* (9th ed.). New York, NY: McGraw-Hill.
15. Rawls, John, J. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
16. Shapiro, Joan Poliner, J. P., & Stefkovich, Jacqueline A., J. A. (2016). *Ethical Leadership and Decision Making in Education: Applying Theoretical Perspectives to Complex Dilemmas* (4th ed.). New York, NY: Routledge.
17. Sergiovanni, Thomas J., T. J. (2007). *Rethinking Leadership: A Collection of Articles*. Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
18. Strike, Kenneth A., K. A. (2007). *Ethical Leadership in Schools: Creating Community in an Environment of Accountability*. Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
19. OECD. (2018). *Equity in Education: Breaking Down Barriers to Social Mobility*. Paris: OECD Publishing.
20. UNESCO. (2021). *Reimagining Our Futures Together: A New Social Contract for Education*. Paris: UNESCO Publishing.

Ethical Leadership and Educational Equity in Contemporary Schools

Samaneh Farhangi

Bachelor of Science in Elementary Education

wwwsamanecom017@gmail.com

Tayyebbeh Eiri

Bachelor of Science in Elementary Education

tayyebbehiri74@gmail.com

Abstract

In recent decades, social, cultural, and educational transformations have highlighted the growing need to reconsider leadership models in schools. Among contemporary approaches to educational management, ethical leadership has attracted significant attention from researchers and policymakers in the field of education. By emphasizing values such as fairness, responsibility, integrity, respect for human dignity, and accountability, ethical leadership can contribute to the realization of educational equity and the provision of equal learning opportunities for all students. Educational equity, as one of the fundamental goals of educational systems, emphasizes the fair distribution of resources, facilities, learning opportunities, and equal access to high-quality education.

This scientific-promotional article, based on library and documentary research, examines the role of ethical leadership in promoting and developing educational equity in contemporary schools. In this regard, various dimensions of ethical leadership, including justice orientation, ethical decision-making, social responsibility, participatory leadership, and attention to the rights of educational stakeholders, are analyzed, and their relationship with indicators of educational equity is explored. The findings indicate that school leaders who demonstrate ethical leadership characteristics play a significant role in enhancing educational equity by fostering a climate of trust, reducing educational discrimination, supporting vulnerable students, ensuring the fair distribution of resources, and strengthening a culture of participation.

Furthermore, the results reveal that the achievement of educational equity depends not only on macro-level policies and regulations but also on the quality of school leadership and principals' commitment to ethical principles. Conversely, factors such as social inequalities, resource limitations, administrative centralization, and weak organizational culture may hinder the full realization of educational equity. Overall, ethical leadership can be regarded as one of the most important managerial strategies for reducing educational inequalities, improving educational quality, and achieving educational goals in contemporary schools.

Keywords: Ethical Leadership, Educational Equity, Educational Management, Contemporary Schools, Equal Educational Opportunities, Professional Ethics, School Principals, Educational Quality, School Organizational Culture, Educational Governance.



مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی